

نگاهی به سیمای مجلس شورای ملی در «نسیم شمال»

دکتر جهانگیر صفری - دانشیار گروه زبان و ادبیات دانشگاه شهر کرد
رقیه همتیان - دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

چکیده:

با برابری جنبش مشروطه خواهی، جهشی بزرگ از دید فکری و اجتماعی در جامعه و در میان سخنوران پدید آمد. تأثیر این جریان به اندازه ای بود که اندیشه مردمان به سوی یک دگرگونی اجتماعی گرایش یافت و در پی آن، ادبیاتی تازه و متفاوت از گذشته رخ نمود و موضوعات و مفاهیم اجتماعی و سیاسی به بینه ادبیات راه یافت. سرایندگان در قالبهایی تازه همچون مستزاد، مخمس و مسمط به موضوعات و مفاهیم اجتماعی و سیاسی پرداختند. ملک الشعرای بهار، ادیب الممالک فراهانی، فرخی یزدی، ابوالقاسم عارف قزوینی، علی اکبر دهخدا و برجسته تر از همه، سید اشرف الدین گیلانی از این دسته بودند. در میان موضوعات گوناگون سیاسی، چند و چون مجلس شورای ملی بیشتر مورد توجه این سرایندگان بویژه اشرف الدین قرار گرفته است. برخی از آنان پایه گذار یا نویسنده روزنامه های سیاسی و برخی دیگر نماینده مجلس بوده اند.

در این نوشتار، برجسته ترین موضوعات مربوط به مجلس شورای ملی که در سروده های سید اشرف الدین گیلانی نمود یافته، بررسی و تحلیل و نیز نگاهی به سروده های دیگر شاعران در این زمینه افکنده خواهد شد.

پیشگفتار

اثری که جنبش مشروطه خواهی بر کل نظام اجتماعی ایران گذاشت، ادبیات را هم در بر گرفت و باعث شد که ادبیات بسته، به مرحله ای باز و تازه پا بگذارد و در آن به قانون و تا اندازه ای دموکراسی پرداخته شود. «واژه ادبیات (جمع ادب) در زبان فارسی امروز، از دوره مشروطیت به بعد، همسنگ واژه (Litterature, Lettre) فرانسه به معنی نوشتارها و اثرهای هنری سنجیده، فرهیخته، خوشایند و گویا، در زمینه های داستانی، ادبی،

تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی و... به کار می‌رود» (روح‌الامینی، ۱۳۷۷: ص ۹). ادبیات کارکردهای گوناگون دارد؛ از جمله، اینکه «می‌تواند همچون ابزار تبلیغاتی کارآمدی، در اختیار طبقه، حزب یا گروه سیاسی خاصی در آید» (وحید، ۱۳۸۷: ص ۳۲) و در تأیید و گسترش اندیشه‌ها و ارزش‌ها و هموار ساختن راه پیشرفت آنها کار ساز افتد.

آغاز کارکردهای سیاسی-اجتماعی ادبیات را برای اروپا از نخستین سالهای سده هجدهم (ر.ک، یاسمی، ۱۳۵۲: ص ۷۵) و برای ایران همزمان با پدید آمدن جنبش مشروطه‌خواهی و انقلاب مشروطیت می‌توان در نظر گرفت.

سربر آوردن اندیشه‌های اجتماعی-سیاسی تازه در واپسین سالهای فرمانروایی ناصرالدین شاه و گسترش دامنه آنها در سالهای پس از آن، که به تغییر نظام سیاسی کشور و به پا گرفتن سلطنت مشروطه انجامید، پنجره‌ای تازه به روی هنر و ادبیات در ایران گشود و موضوعات و مفاهیمی را در نظم و نثر فارسی جای داد که «تا آن زمان بی سابقه بود» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ص ۱۴۲).

پیوند ادبیات و شرایط سیاسی و اجتماعی دوران مشروطیت، پیوندی دوسویه است، بر پایه تلاش و تکاپو برای دستیابی به حکومت قانون و بریدن از استبداد.

ادبیات آئینه تمام‌نمای رویدادها، آینه‌ها، رفتارها، تلاشها و اندیشه‌ها در جامعه، و به سخن دیگر، زبان حال و شناسنامه یک ملت است (ر.ک، ترابی، ۱۳۷۱: ص ۶۷). با بررسی درونمایه و موضوع ادبیات در یک جامعه، می‌توان آنرا شناخت، رویدادها و رفتارهای اجتماعی ریشه‌یابی کرد و روند تحولی پدیده‌های اجتماعی را دریافت.

پدید آمدن ادبیات اجتماعی-سیاسی در دوران مشروطیت، بازتاب مستقیم اوضاع و احوال و فضای اجتماعی در آن دوران (ر.ک، آژند، ۱۳۶۳: ص ۱۹۶) و یادآور پیوندی است که میان جامعه و ادبیات وجود دارد.

مشروطیت و ادبیات معاصر

یکی از برجسته‌ترین رویدادها در ایران در صد سال گذشته، انقلاب مشروطه است که نقطه عطفی در تاریخ ایران معاصر شمرده می‌شود. «انقلاب مشروطیت در نتیجه ظلم و فشار روزافزون شاه و شاهزادگان و حکام و ماموران دولتی به توده‌های محروم» (کسروی، ۱۳۵۴: ص ۷۴) و نیز بر اثر مداخلات بیگانگان در همه امور کشور پدید آمد (ر.ک، مدنی، ۱۳۸۳: ص ۴۵).

مشروطیت ارکانی دارد که مجلس برجسته‌ترین آنها به‌شمار می‌آید و واضع قانون و ناظر بر اجرای آن است تا جامعه به آسایش برسد و پیشرفت کند. «مردم با تمام وجود خواهان تشکیل آن بودند تا شاه و گدا در آن مساوی باشند، از ستم حکام‌رهایبی یابند و قانون اسلام اجرا شود» (ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ص ۱۱۸).

اندیشه‌هایی که در پرتو جنبش مشروطه‌خواهی در ایران رخ نمود، ادبیاتی نو پدید آورد که هدفها و آرمانهای

○ با برپایی جنبش مشروطه‌خواهی، جهشی بزرگ از دید فکری و اجتماعی در جامعه و در میان سخنوران پدید آمد. تأثیر این جریان به اندازه‌ای بود که اندیشه مردمان به سوی یک دگرگونی اجتماعی گرایش یافت و در پی آن، ادبیاتی تازه و متفاوت از گذشته رخ نمود و موضوعات و مفاهیم اجتماعی و سیاسی به پهنه ادبیات راه یافت.

یکسره متفاوت از ادبیات پیش از این رویداد داشت. بر سر هم، هدف اشعار در دوران مشروطه خواهی، بیدار کردن شهروندان، برانگیختن احساسات ملی و میهنی، ترویج آزادیهای فردی و اجتماعی، از میان برداشتن خرافات و اندیشه‌های سست و ناروا (ر. ک. محمدی، ۱۳۷۲: ص ۱۱۲)، پیکار با بیگانه خواهی، «انتقاد سخت و بی رحم از نابسامانی‌ها» (مومنی، ۱۳۵۲: ص ۴۷) و «آشنا کردن مردم به حدود و حقوق انسانی آنها» بوده است (یا حقی، ۱۳۸۳: ص ۲۱).

از آغاز جنبش مشروطه خواهی، شعر و ادب تا اندازه‌ای به سوی موضوعات ملی و میهنی گرایید و مسائل مربوط به سر نوشت افراد و یکپارچگی سرزمینی کشور و مبارزه با نفوذ بیگانگان و جانبداری از آزادی و مخالفت با خود کامگی حکومت و... مورد توجه سراینده‌گان و موضوع اشعار آنان قرار گرفت و آنان با شیوه‌های گوناگون شعری از جمله طنز به این نکته‌ها پرداختند.

«با پیدایی مشروطیت ادبیات طنزی حقیقی، که لبه تیز خود را بیش از افراد، متوجه اجتماع و معایب عمومی جامعه ساخته بود، پدید آمد» (امین پور، ۱۳۸۳: ص ۱۳۶).

سراینده‌گان در نخستین سالهای دوران مشروطیت، شعر را برای بیان «انتقادات اجتماعی و اخلاقی و سیاسی همراه با طنز و کنایه» (آرین پور، ۱۳۷۲: ص ۱۲۰) به کار گرفتند و مجلس نیز بعنوان یکی از مهمترین نهادهای سیاسی کشور، در این سروده‌ها جای خود را داشت و سید اشرف الدین گیلانی از برجستگان در این زمینه بود.

سید اشرف الدین گیلانی (شاعر مردمی)

«از میان مردم بیرون آمد، با مردم زیست و در میان مردم فرو رفت. این مرد نه وزیر شد، نه وکیل شد، نه رئیس اداره شد، نه بولی به هم زد، نه خانه ساخت، نه ملک خرید...» (یوسفی، ۱۳۸۳: ص ۳۹۴)

سید اشرف الدین حسینی گیلانی در ۱۲۸۸ هـ. ق در رشت چشم به جهان گشود و روزنامه نسیم شمال را در ۱۳۲۵ قمری در همان شهر به راه انداخت که مدت‌ها در تهران نیز انتشار می‌یافت. این روزنامه بیشتر دربرگیرنده اشعار فکاهی و انتقادی بود که همه را خود سید اشرف الدین می‌نوشت و اشعار دیگران در آن چاپ نمی‌شد؛ «اشعاری ساده و روان و شیرین و دلچسب در حوادث و وقایع روز که هیچکس بهتر از آن نمی‌توانست گفت» (یا حقی، ۱۳۷۵: ص ۶۰). به سخن دیگر، کنایه‌های لطیف و طنز نسیم شمال را در دیگر روزنامه‌های آن دوران نمی‌شد یافت. هرگاه مسائل سیاسی و اجتماعی چشمگیری در مجلس شورای ملی و جراید مطرح نبود تا نسیم شمال به آنها بپردازد، سید اشرف الدین وارد مباحث دیگر درباره عادات و آداب اجتماعی و مسائل گوناگون می‌شد (ر. ک. کریمی موغاری، ۱۳۸۲: ص ۶۶).

روزنامه نسیم شمال در آن روزگار مورد توجه قرار گرفت و ولوله‌ای به پا کرد، چون «ایجاد حاکمیت مشروطه پارلمانی را تبلیغ می‌کرد» (حاکمی، ۱۳۷۶: ص ۳۲)؛ حکومتی که در پرتو آن مردمان می‌توانستند به امنیت و آسایش برسند. از برجسته‌ترین مسائلی که سید اشرف الدین در زمینه سیاسی به آنها پرداخته، انقلاب مشروطیت، مجلس شورای ملی، قرارداد ۱۹۰۷، قرارداد‌های ۱۹۱۵، جنگ جهانی اول، کودتای ۱۲۹۹ رضاخان و... بوده است (نظمی تبریزی، ۱۳۸۶: ص ۴۶).

○ اثری که جنبش مشروطه خواهی بر کل نظام اجتماعی ایران گذاشت، ادبیات را هم دربر گرفت و باعث شد که ادبیات بسته، به مرحله‌ای باز و تازه پا بگذارد و در آن به قانون و تا اندازه‌ای دموکراسی پرداخته شود.

اشرف‌الدین شیوه‌هایی چون مستزاد، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند و تخمیس را به کار گرفته، ولی سروده‌هایش درباره مجلس، بیشتر در قالب «مسمط» و «مسمط مخمس» و «مستزاد» است.

به کارگیری طنز

سید اشرف‌الدین شاعری بوده است زبردست و در زمینه طنز و کنایه بی‌مانند و از آن دست کسانی که هر چند قرن یکبار در جوامع خود سر برمی‌آورند و همگان را شیفته گفتار نغز و شیوای خود می‌کنند و «طبعاً از افکار حکما و شعرای قبل از خود الهام می‌گیرند و معانی ابداعی دیگران را به شیوه روز آرایش می‌دهند و بر آن‌ها با الفاظ و کلماتی دیگر لباس نو می‌پوشانند و این هنری است ذاتی و جوهری که ابراز آن برای هر کسی مقدور نیست» (اصیل، ۱۳۸۲: ص ۹۱).

این سراینده، رویدادهای ناخوشایند سیاسی و اجتماعی و انتقادهای کوبنده خود را با زبانی آمیخته به شوخی و نیشخند که از ویژگی‌های برجسته ادبیات سیاسی مردمی است، مطرح کرده است. «مدافعه از استقلال ایران و دشمنی با تجاوز کاران بیگانه بزرگترین هدف هنری او بوده است که همه را در قالب اشعار گرم و آتشین و با سبک و روش طنز آمیز نمایش می‌داد» (محمدخانی، ۱۳۸۴: ص ۱۴۶).

اشرف‌الدین با بهره‌گیری از ضرب‌المثلها که بیشتر با طنزی تلخ همراه است، بویژه در سروده‌هایش درباره مجلس شورای ملی، گزینایی خاصی به آنها بخشیده است.

در سروده زیر، اشرف‌الدین مجلس را به درشکه شکسته، سگ گر، خر لنگ و آدمی تریاکی که دیگر ارزش و کارایی ندارد، تشبیه کرده است:

این درشکه بشکسته، لایق سواری نیست	این سگ گر مفلوک، تازی شکاری نیست
این خر سیاه لنگ، قابل مکاری نیست	این حریف تریاکی، پهلوان کاری نیست

(نسیم شمال، ص ۳۸۱)

این سروده هم از زبان یکی از نمایندگان در مجلس است که کارهای خود را در دوران نمایندگی اینگونه توصیف می‌کند (به تقلید از فردوسی در بحر متقارب):

منم آنکه کردم وطن را خراب	منم آنکه خوردم شراب و کباب
منم آنکه شد کار من عیش و نوش	شنیدم بسی نغمه‌ها من به گوش
منم آنکه خوردم بسی مال مفت	شده گردنم چون درختی کلفت

(نسیم شمال، ص ۶۱۲)

○ سر بر آوردن اندیشه‌های اجتماعی - سیاسی تازه در واپسین سالهای فرمانروایی ناصرالدین شاه و گسترش دامنه آنها در سالهای پس از آن، که به تغییر نظام سیاسی کشور و به پا گرفتن سلطنت مشروطه انجامید، پنجره‌ای تازه به روی هنر و ادبیات در ایران گشود و موضوعات و مفاهیمی را در نظم و نثر فارسی جای داد که «تا آن زمان بی سابقه بود». پیوند ادبیات و شرایط سیاسی و اجتماعی دوران مشروطیت، پیوندی دوسویه بود، بر پایه تلاش و تکاپو برای دستیابی به حکومت قانون و بریدن از استبداد.

نکته‌های گوناگون درباره مجلس شورای ملی

۱- رأی خریدن و رشوه دادن

نامزد نمایندگی در مجلس و وابستگی‌اش و در واقع همه کسانی که زندگیشان به گونه‌ای وابسته به شخص نامزد بود، برای پیروزی طرف خود، تلاش‌های زیادی برای جلب مردم می‌کردند یکی از اقدامات آنها رأی خریدن بود مثلاً با پول دادن به مردم رأی آنها را به نفع خود جمع‌آوری می‌کردند.

پول‌ها خرج شد امسال به هر شهر و دیار
مردمان رأی خریدند در این گوشه کنار
همه پادو شده بودند برای سر کار
کارها شده همه معلوم میان بازار

(نسیم شمال، ص ۵۸۷)

ابوالقاسم حالت از شاعران معاصر و طنزپرداز در این باره چنین می‌گوید:

این دوره شود صرف خریداری آراء
پولی که رسیده است ز ده دوره و کالت

(حالت، ۱۳۶۳، ص ۸۵)

فرخی شاعر آزادیخواه نیز نماینده‌ای را که بار رأی خریدن وارد مجلس شود و مملکت را بر باد می‌دهد اینگونه معرفی می‌کند:

آنکه از آرا خریدن مسند عالی بگیرد
مملکت را می‌فروشد تا که دلالی بگیرد

(فرخی یزدی، ۱۳۶۳، ص ۱۴۰)

برخی از کاندیداهای انتخاباتی هر اقدامی را برای موفق شدن، بر خود مجاز می‌دانستند یکی از این اقدامات، دادن پول به مردم چه از طریق مستقیم (خود) و چه از طریق غیرمستقیم (متعلقان خود) برای خریداری آرای آنها بود.

برای و کالت بسی پول‌ها
فرستاده‌ام پیش موکل‌ها

(نسیم شمال، ۱۳۶۳، ص ۶۱۳)

ابوالقاسم حالت نیز در این باره از خرج بی نتیجه کاندیداهای می‌گوید:

دادیم بسی پول و نماینده نگشتیم
افسوس که این قصه شد اسباب خجالت

(حالت، ۱۳۷۰، ص ۸۵)

۲- دزدیدن تعرفه‌ها

یکی از شیوه‌های ناهنجار در انتخابات، دزدیدن تعرفه‌های اخذ رأی بود. بدین صورت که یا از روی آنها چاپ

○ از آغاز جنبش مشروطه خواهی، شعر و ادب تا اندازه‌ای به سوی موضوعات ملی و میهنی گرایید و مسائل مربوط به سرنوشت افراد و یکپارچگی سرزمینی کشور و مبارزه با نفوذ بیگانگان و جانبداری از آزادی و مخالفت با خودکامگی حکومت و... مورد توجه سراینده‌گان و موضوع اشعار آنان قرار گرفت و آنان با شیوه‌های گوناگون شعری از جمله طنز به این نکته‌ها پرداختند.

«با پیدایی مشروطیت ادبیات طنزی حقیقی، که لبه تیز خود را بیش از افراد، متوجه اجتماع و معایب عمومی جامعه ساخته بود، پدید آمد.»

می کرده‌اند و یا به نوعی این آراء را به دست می‌آوردند.
آن یکی شب رفته از صندوق بدزد تفرقه

در عوض سازد ورقه

(نسیم شمال، ص ۵۷۸)

۳- تقلب در انتخابات

از زمان رضا خان یعنی مجلس پنجم، تقلب در انتخابات چه آشکارا، از طریق تهدید مردم به رأی دادن به اشخاصی که رضا خان می‌گوید و چه پنهان، بدین صورت که رضا خان و دولت او نمایندگانی را که با خود هم عقیده و در واقع مطیعشان بودند و کار آنها در مجلس سکوت در برابر خواسته‌شان بود انتخاب می‌کردند رایج شد. مردم پای صندوق‌های رأی گیری می‌رفتند و نماینده خود را انتخاب می‌کردند ولی رضا خان از قبل نمایندگان را تعیین می‌کرد و به رأی مردم اهمیتی نمی‌داد و این طور وانمود می‌کرد که این فرد منتخب مردم است.

از شهرها به تهران شد منتخب روانه
یک دسته آشکارا یک دسته محرمانه

(نسیم شمال، ص ۳۳۹)

۴- حرف‌ها و وعده‌های کاندیدای نمایندگی به مردم فقیر

کاندیدا برای اینکه رای آورد وعده‌هایی به مردم، خصوصاً اقشار فقیر جامعه می‌داد که فلان کار را برایتان می‌کنم و زندگیتان را دگرگون می‌نمایم. آنها هم تحت تاثیر حرف‌های او به امید بهبودی اوضاعشان قرار می‌گرفتند. این حربه خوبی بود برای رای آوردن و در نهایت نماینده شدن کاندیداها. و معمولاً این وعده نیز تحقق نمی‌یافت و دوره بعد فرد دیگری باز با این شعارها به میدان می‌آمد.

غم مخور ای مستمند بی کفیل	می شوم شش روز دیگر من و کیل
من و کالت بی اجازت می‌کنم	توی مردم سرفرازت می‌کنم
رخت می‌خواهی برایت می‌خرم	هم عبا و هم قیامت می‌خرم
این و کالت چونکه واجب می‌شود	بیشتر پول واجب می‌شود
چون به مجلس من بیفتم در جلو	تو بخور هر شب فسنگان با پیلو

(نسیم شمال، ص ۵۶۳)

۵- تشویق مردم به شرکت در انتخابات

اشرف الدین با استدلال‌هایی که می‌آورد تلاش زیاد می‌کند تا مردم را تشویق و بیدار نماید که شرکت در انتخابات و انتخاب نماینده خوب در بهبودی اوضاع کشور تاثیر بسزایی دارد. بدین سبب که نمایندگان پیشین نتوانستند اقدامی در جهت بهبودی اوضاع کشور بردارند. او با تمام وجود خواهان حضور جدی مردم در انتخابات و انتخاب فردی شایسته برای دگرگونی اوضاع کشور است.

دگر ملائمه معدوم گردد	خدا ترسی همی مرسوم گردد
حقیقت‌ها همه معلوم گردد	دل ظالم ازین مجلس کباب است

زجا برخیز وقت انتخاب است

زبس ظالم به ما ظلم و جفا کرد	رکاب اسب‌هایش را طلا کرد
فقیران را به مجلس آشنا کرد	به مجلس معنی فصل الخطاب است

زجا برخیز وقت انتخاب است

هزاران لعن بر دزدان ظالم	ستم‌کاران بی‌ایمان ظالم
خداوند بسوزان جان ظالم	که دل از ظلم ظالم در عذاب است

زجا برخیز وقت انتخاب است

درین کشور که ما دیدیم تا بود
از این روراستی گردیده مفقود
برای تشنگان دریای آب است
میان بارلمان در شهر تهران
اگر هر شب خورد مرغ و فسنجان
ز جابر خیز وقت انتخاب است
نبوده دسته‌ای جز دزد موجود
وکیل خوب اگر تعیین شود زود
ز جابر خیز وقت انتخاب است
وکیل از بهر ملت می‌دهد جان
برای او حلال است و ثواب است
ز جابر خیز وقت انتخاب است

(نسیم شمال، ص ۷-۵۶۶)

۶- کارهای خوب نمایندگان

سید اشرف‌الدین با موشکافی در منش و روش نمایندگان، کارهای نادرست آنان را نکوهش و کارهای شایسته‌شان را تبلیغ و تشویق می‌کند. برای نمونه به برخی از نکته‌ها در این زمینه اشاره می‌کنیم.

۱-۶- فراهم کردن زمینه‌ارزان شدن کالاها

برخی از نمایندگان در برابر جامعه احساس مسئولیت می‌کردند و گامهایی در راه بهبود زندگی شهروندان برمی‌داشتند. یکی از این کارها، تلاش برای از میان بردن تورم و ارزان کردن کالاها بود:

گر وکیل دوره پنجم رسد از شهرها
هر وکیلی زین و کالت گوشت شیشک می‌خورد
هر چه می‌خواهی بخر با قیمت ارزان و خوب
جنس‌ها را سر به سر از لطف ارزان می‌کنند
نان گندم را برای خلق ارزان می‌کنند
چونکه نعمت را در این تهران فراوان می‌کنند

(نسیم شمال، ص ۶۸۵)

۲-۶- کندن ریشه ستم

از دیگر کارهای خوب نمایندگان، تلاش در راه برقراری عدالت و ریشه کن کردن ستم، با وضع قوانین مناسب و بجا است که در پرتو آن ستمگر کیفر ببیند و ستم‌دیده به حق خود برسد. او پیامد مجلسی با نمایندگان خوب را اینگونه توصیف می‌کند:

بیرق ظلم سست می‌گردد
بعد از این ظلم را نمی‌بینید
عدل خواهان سوار فیل شدند
بعد از این مرتفع لواء گردد
بیرق معدلت کشیده شود
کار ملت درست می‌گردد
غیر گل زین چمن نمی‌چینید
مال مردم خوران ذلیل شدند
خاک ایران چو کیمیا گردد
پرده ظالمان دریده شود

(نسیم شمال، ص ۵۵۷)

عارف قزوینی نیز در این باره گفته است:

تا که در ایران ز قانون اساسی هست نام
تا ز ظالم می‌نماید عدل سلب احترام
مجلس شورای ایران تا ابد پاینده باد
تا دهد مشروطه آزادی به خیل خاص و عام
هر زمان این شعر می‌گویم پی ختم کلام
خسرو مشروطه ما تا قیامت زنده باد

(عارف قزوینی، ۱۳۶۴، ص ۲۷۱)

۷- ویژگیهای منفی نماینده

در نسیم شمال، برخی از کارهای ناشایست و ویژگیهای ناپسند نمایندگان نکوهش شده است.

۱-۷- مفتخوری

پاره‌ای از نمایندگان تنها به فکر خود بودند و در واقع خود را به خاطر شهروندان به زحمت و دردسر

نمی انداختند؛ کار آسان و دستمزد سنگین داشتند و به مجلس همچون ابزاری برای چپاول می نگرستند. این دفعه دگر دخل به آن دفعه ندارد دیگر احدی گوشت به گربه نسپارد هر مفتخوری پای به مجلس نگذارد

(نسیم شمال، ص ۴۶۳)

۲-۷- بیسوادی

نماینده‌ای که برگزیده می شود باید باسواد و تحصیلات عالی داشته باشد تا بتواند با سخنرانیهای گیرا و مؤثر، از حقوق شهروندان پاسداری و راه را برای اعتلای دانش و فرهنگ فراهم کند.

ایها الناس ره خویش به گمره ندهید بی سوادان را در مجلس خودره ندهید
محرمانه وطن از دست به ناکس ندهید من شماراز وفامی کنم آگه ندهید
باید این مجلس از علم معطر گردد عنقریب است که این دوره ورق بر گردد

(نسیم شمال، ۱۳۶۳، ص ۵۸۷)

ابوالقاسم حالت شاعر طنزپرداز نیز در این باره گفته است:

در دوره‌ی پیش جاهلی بود بی عرضه و بی سواد و بی حس
از علم همیشه داشت پرهیز با جهل همواره بود مونس
نهاد ز فرط بی سوادی فرقی به میان تون و تونس
باری، دوسه ماه من ندیدم اورا به محافل و مجالس
گفتم که چه کاره است اکنون آن مردک بی سواد مفلس
گفتند به پاسخم که او نیز گشته است کنون و کیل مجلس

(حالت، ۱۳۷۰، ص ۴۸۱)

۳-۷- رشوه خواری

پاره‌ای از نمایندگان برای اینکه کاری برای کسی انجام دهند یا قدمی برای صاحبان حق بردارند و در واقع به تکلیف خود در برابر رأی دهندگان عمل کنند، دست به اخاذی و رشوه خواری می زدند.

هر و کیلی که رشوه خوار بود بر سر اسب خود سوار بود
روز و شب طالب شکار بود خوش خط و خال هم چو مار بود

(نسیم شمال، ۱۳۶۳، ص ۵۸۵)

۴-۷- دغلکاری و دورنگی

چهره و شخصیت ظاهری شماری از نمایندگان، پیش و پس از انتخابات یکسره متفاوت و نشان دهنده دورویی آنها بوده است. برای نمونه، پاره‌ای از آنان برای به دست آوردن رأی خود را با ایمان جلوه می دادند و از

○ سید اشرف الدین شاعری بوده است زبردست و در زمینه طنز و کنایه بی مانند و از آن دست کسانی که هر چند قرن یکبار در جوامع خود سر بر می آورند و همگان را شیفته گفتار نغز و شیوای خود می کنند و «طبعاً از افکار حکما و شعرای قبل از خود الهام می گیرند و معانی ابداعی دیگران را به شیوه روز آرایش می دهند و بر آن ها با الفاظ و کلماتی دیگر لباس نو می پوشانند و این هنری است ذاتی و جوهری که ابراز آن برای هر کسی مقدور نیست».

احساسات پاك مردمان بهره برداری می کردند یا وعده‌هایی می دادند که عملی نمی شد.

زین وزیران و وکیلان دورنگ
نه شفا پیدانه مرگ بی درنگ
برخلاق زندگی گردیده تنگ
مملکت بیماروار و زرد رنگ
(نسیم شمال، ص ۴۲۵)

هر یکی بعد از چپو زالوی بیجانی بود
دوستی این جماعت جمله تزویر است و بس
ای وکیلان اینهمه نیرنگهارا کم کنید
کارشان تمجید و مکر و کار شیطانی بود
آن یکی با جبه و دستار با چندین دلیل
کارشان دزدیست چنگال و گریبانی بود
آنچه می دانسی بسود
روبه و شیراست و بس
کار را محکم کنیید
آنچه می دانسی بسود
کیستند ایشان؟ و کییل
آنچه می دانسی بسود
(نسیم شمال، ص ۵۷۸)

ملك الشعراى بهار که خود زمانی در مجلس نماینده بوده، در این زمینه گفته است:

ازین گروه وکیل تباهکار دغل
از جلوه طاووسی این خلق بترسید
بغیر از آنکه شود کار ما تباه چه سود
کز راه دورنگی همه چون بوقلمونند
(گلچین معانی، ۱۳۶۲، ص ۳۰۲)
(بهار، ۱۳۸۱، ص ۲۵۴)

۵-۷- تبدیل وضع مالی

برخی از نمایندگان پیش از ورود به مجلس وضع مالی خوبی نداشتند ولی پس از نماینده شدن زندگی شان از دید اقتصادی دگرگون می شد و از راههای نامشروع به ثروت کلان می رسیدند.

آنکه می دیدم پلاسش بود همواره بدوش
نك شده سنجاب پوش
(نسیم شمال، ص ۵۷۷)

ادیب الممالک فراهانی نیز در این باره گفته است:

کسب جاه و مقامشان مقصود
جمع مال و منالشان مذهب
(فراهانی، ۱۳۷۸، ص ۸۵)

۶-۷- بی توجهی

بی توجهی نمایندگان به زندگی و خواسته‌های دهندگان، کمابیش يك سنت شده بود. لایه‌های تهیدست و

○ اشرف‌الدین با بهره گیری از ضرب‌المثلها که بیشتر با طنزی تلخ همراه است، بویژه در سروده‌هایش درباره مجلس شورای ملی، گیرایی خاصی به آنها بخشیده است. در سروده زیر، اشرف‌الدین مجلس را به درشکه شکسته، سگ گر، خر لنگ و آدمی تریاکی که دیگر ارزش و کارایی ندارد، تشبیه کرده است:

این درشکه بشکسته، لایق سواری نیست
این سگ گر مفلوک، تازی شکاری نیست
این خر سیاه لنگ، قابل مکاری نیست
این حریف تریاکی، پهلوان کاری نیست

کم در آمد جامعه همیشه به امید دگرگونی و بهبود زندگیشان پای صندوقهای رأی می رفتند و نماینده برمیگزیدند؛ امیدی که کمتر تحقق می یافت.

نیست اصلاً فکر اطفال فقیر نه وکیل و نه وزیر و نه امیر
(نسیم شمال، ص ۱۹۴)

پدر مگر و کلا فکر ما نمی باشند چرا و لیک به ما خاک مرده می پاشند
(نسیم شمال، ص ۲۴۸)

۸- ویژگیهای مثبت نماینده

بر سر هم، سید اشرف الدین از کار نمایندگان رضایت نداشته، ولی همواره می کوشیده الگوهای درست برای منش و رفتار نمایندگان به دست دهد.

۱-۸- غمخواری و مهربانی

نماینده خوب کسی است که غمخوار و دلسوز مردمان باشد و رنجها و مشکلات ایشان را دریابد و برای از میان برداشتن آن بکوشد.

یک و کیلی بنمائید شماها تعیین به غم رنجبران باشد و با مهر قرین
بکند بهر شما کار ز اخلاص متین تا که گردید همه شاد و نباشید غمین
(نسیم شمال، ص ۵۹۹)

۲-۸- ساده زیستی و یکرنگی

از ویژگیهای برجسته یک نماینده خوب، ساده زیستی است، و گرنه درد و رنج تهیدستان را در نمی یابد و به یاریشان نمی شتابد. همچنین، نماینده باید یکرنگ و راستگو باشد.

نه و کیلی که بود فکر عمارات قشنگ نه و کیلی که بخواهد برود سوی فرنگ
نه و کیلی که چسان بوقلمون رنگ برنگ شود هر لحظه به مستی ز شراب گلرنگ
(نسیم شمال، ص ۶۰۰)

۳-۸- پرهیزگاری

پرهیزگاری از دیگر ویژگیهای مثبت نماینده است. اگر نماینده ای از خدا ترسد، تنها برای خود و نه برای جامعه کار می کند و سودای گردآوری مال و ثروت پیوسته در او بالا می گیرد.

هر و کیلی که باورع باشد هم خدا ترس و بی طمع باشد
چونکه او حافظ حقوق شماست گرو کالت به او دهید رواست
(نسیم شمال، ص ۵۸۸)

۴-۸- درستکاری و باهوشی

گزینش نماینده امین و باهوش زمینه ساز بهبود وضع کشور می شود. اگر مردمان به هنگام گزینش نماینده، این نکته را در نظر نگیرند، پشیمان خواهند شد و کاری جز آه کشیدن و افسوس خوردن به سبب این غفلت، از

○ ویژگیهای منفی نمایندگان همچون ریاکاری، دورویی، خودخواهی، پیمان شکنی، مفتخوری، بی لیاقتی، وابستگی به دولتهای بیگانه، دزدیدن و خریدن رأی، رشوه خواری و رشوه دهی، بیسوادی آنان و... از برجسته ترین مقولاتی است که در نسیم شمال به آنها پرداخته شده است.

دستشان بر نخواهد آمد.

دیده خویش گشائید و ببائید به هوش
نکته گویم اگر آن نکته پذیرد به گوش
گر نخواهید در این دوره کشید آه و خروش
بکنید کاندید اشخاص امین و باهوش
(نسیم شمال، ص ۶۰۰)

بهره سخن

بخشی از سروده‌های سید اشرف‌الدین، درباره مجلس و آشکارا نشان دهنده سرخوردگی و افسردگی او از ناکار دانی و ناکارایی نمایندگان است.

از نکته‌های مربوط به مجلس، پاره‌ای بسامد بالایی دارد و برخی دیگر بسامد کمتری؛ برخی مثبت است و برخی دیگر منفی. اشرف‌الدین با همه توان، مردمان را به شرکت در انتخابات و دقت در گزینش در نماینده در ستکار و کاردان فرامی‌خواند. او به این نتیجه رسیده که نمایندگان پیشین گامی در راه بهبود اوضاع کشور برداشته‌اند و از همین رو از مردمان می‌خواهد، با دقت بیشتر در گزینش نماینده، به دگرگونی اوضاع کمک کنند. این نکته دارای بسامد بالایی است. با این حال، اشرف‌الدین امید چندانی به بهتر شدن اوضاع کشور با وجود نمایندگان و برپایی مجلس ندارد و بسامد این موضوع هم در اشعار او در سطح بالایی است. به هر رو، نومید و سرخورده است و به نکوهش نمایندگان و مجلس می‌پردازد.

ویژگی‌های منفی نمایندگان همچون ریاکاری، دورویی، خودخواهی، پیمان شکنی، مفتخوری، بی‌لیاقتی، وابستگی به دولتهای بیگانه، دزدیدن و خریدن رأی، رشوه‌خواری و رشوه‌دهی، بیسوادی آنان و... از برجسته‌ترین مقولاتی است که در نسیم شمال به آنها پرداخته شده است.

سروده‌های سید اشرف‌الدین از نکته‌های مثبت درباره مجلس و نمایندگان نیز خالی نیست، ولی از دید او مایه‌های نگرانی و نومیدی از مجلس و نمایندگان، بسی بیش از مایه‌های خوشبینی و امیدواری است.

منابع

۱. آربین پور، یحیی، (۱۳۷۲)، از صبا تا نیما، تهران، زوار، چاپ چهارم.
۲. آژند، یعقوب، (۱۳۶۳)، ادبیات نوین ایران، تهران، امیرکبیر، چاپ اول.
۳. اصیل، حجت‌الله، (۱۳۸۲)، برگزیده و شرح اشعار اشرف‌الدین گیلانی، تهران، نشر فرزانه.
۴. امین پور، قیصر، (۱۳۸۳)، سنت و نوآوری در شعر معاصر، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ اول.
۵. بهار، محمد تقی، (۱۳۸۱)، دیوان اشعار مشتمل بر قصاید و مثنویات و غزلیات و قطعات و مطایبات و رباعیات، تهران، نشر علم.
۶. ترابی، علی اکبر، (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی ادبیات، تبریز، فروغ آزادی، چاپ دوم.
۷. حاکمی، اسماعیل، (۱۳۷۶)، ادبیات معاصر ایران، تهران، اساطیر، چاپ چهارم.
۸. حالت، ابوالقاسم، (۱۳۶۳)، دیوان ابوالعینک، تهران، نشر ما.
۹. حالت، ابوالقاسم، (۱۳۷۰)، دیوان خروس لاری، تهران، کتابخانه سنایی.
۱۰. روح‌الامینی، محمود، (۱۳۷۹)، نموده‌های اجتماعی در ادبیات فارسی، تهران، آگاه، چاپ سوم.
۱۱. شفیع کدکنی، محمدرضا، (۱۳۵۹)، ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، تهران، نشر علم.
۱۲. عارف قزوینی، ابوالقاسم، (۱۳۶۴)، کلیات دیوان ابوالقاسم عارف قزوینی، تهران، جاویدان.

۱۳. امیری، صادق (ادیب الممالک فراهانی)، (۱۳۷۸)، دیوان کامل ادیب الممالک فراهانی، تهران، فردوس.
۱۴. فرخی یزدی، محمد (۱۳۶۳)، دیوان، به کوشش حسین مکی، تهران، اساطیر.
۱۵. کریمی موغاری، فریده، (۱۳۸۲)، شمیم نسیم (زندگی و شعر سید اشرف الدین گیلانی)، تهران، نشر ثالث.
۱۶. کسروی تبریزی، احمد، (۱۳۸۵)، تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیر کبیر، چاپ اول.
۱۷. گلچین معانی، احمد، (۱۳۶۲)، دیوان گلچین، تهران، نشر ما.
۱۸. گیلانی، اشرف الدین، (۱۳۶۳)، جاودانه سید اشرف الدین گیلانی، به کوشش حسین نمینی، تهران، فرزانه.
۱۹. محمدی، حسنعلی، (۱۳۷۲)، شعر معاصر ایران از بهار تا شهریار، تهران، نشر اختران، چاپ اول.
۲۰. محمدخانی، علی اصغر، (۱۳۸۴)، شاعر مردم (یادمانه سید اشرف الدین حسینی)، تهران، سخن.
۲۱. مدنی، جلال الدین، (۱۳۸۳)، تاریخ سیاسی معاصر ایران، تهران، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ یازدهم.
۲۲. ملک‌زاده، مهدی، (۱۳۶۳)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران، علمی، چاپ دوم.
۲۳. مومنی، باقر، (۱۳۵۲)، ادبیات مشروطه، تهران، گلشنی، چاپ اول.
۲۴. نظامی تبریزی، علی، (۱۳۸۶)، دو یست سخنور (تذکره الشعراء منظوم و منثور)، تبریز، یاران.
۲۵. وحید، فریدون، (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی در ادبیات فارسی، تهران، سمت.
۲۶. یاحقی، محمد جعفر، (۱۳۸۳)، جویبار لحظه‌ها (ادبیات معاصر فارسی)، تهران، جامی، چاپ ششم.
۲۷. یاحقی، محمد جعفر، (۱۳۷۵)، چون سبوی تشنه (تاریخ ادبیات معاصر فارسی)، جامی.
۲۸. یاسمی، غلامرضا، (۱۳۵۲)، ادبیات معاصر، تهران، ابن سینا، چاپ دوم.
۲۹. یوسفی، غلامحسین، (۱۳۸۳)، چشمه روشن، تهران، علمی، چاپ دهم.